



طراحی و تبیین الگوی مفهومی مبانی کرامت انسانی

از منظر آموزه های دینی با تأکید بر فرهنگ رضوی

دریافت: ۱۳۹۶/۹/۱ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵

یاسین توکلی^۱

چکیده

هدف این پژوهش، تبیین مبانی اساسی کرامت انسان و ارائه مدل مفهومی آن از منظر آموزه های دینی با تأکید بر فرهنگ رضوی است. پژوهش از نوع کیفی است و در آن برای بررسی مبانی کرامت انسانی از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. مضامین پژوهش در سه سطح استخراج و تحلیل شده است: «مضامین کلان (فراگیر)، مضامین یکپارچه کننده (سازمان دهنده) و مضامین اصلی و پایه». برای گردآوری و شناسایی مضامین مرتبط با مبانی دینی و فرهنگ رضوی، ابتدا مبانی نظری و دیدگاه های اندیشمندان اسلامی بررسی و سپس مضامین مربوط استخراج و کدگذاری شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد مضمون کلان (فراگیر) مبانی کرامت انسانی بر اساس مبانی نظری و پیشینه تحقیق به سه مضمون یکپارچه کننده (سازمان دهنده) «مبانی اعتقادی»، «مبانی معرفتی» و «مبانی ارزشی» تحلیل یافته است. مضمون یکپارچه کننده مبانی اعتقادی خود به ۷ مضمون کلیدی (خلیفه اللهی، حامل اسماء الهی، روح الهی، امانتداری الهی، هدایت الهی، اشرف مخلوقات و عبد الهی) تحلیل یافته است. مضمون یکپارچه کننده مبانی معرفتی به ۳ مضمون کلیدی (عقلانیت، کسب دانش و درک و فهم) تحلیل یافته است و در نهایت مضمون یکپارچه کننده مبانی ارزشی به ۱۲ مضمون کلیدی (تقوا، عدالت، آزادی، رعایت حقوق، عزتمندی، صبر و اسقامت، احسان، احترام، محبت، گذشت و ایثار، صداقت و دوستی) تجزیه شده است. این یافته ها می تواند به عنوان الگوی مفهومی کرامت انسانی مبتنی بر آموزه های دینی و فرهنگ رضوی، بهره برداری شود.

کلیدواژه ها: کرامت انسانی، فرهنگ رضوی، آموزه های دینی، مبانی معرفتی، مبانی اعتقادی.

۱. دانش آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان: y.tavakoli@khuisf.ac.ir

۱. مقدمه

در آموزه‌های دینی، کرامت انسانی^۱ از موضوعات مهم و مورد تأکید است. این اصطلاح در معنای عام خود، بیانگر ارزشمندی و والایی ذاتی انسان و برتری او نسبت به موجودات دیگر است. این مفهوم در آیات مختلف قرآن کریم ذکر شده است. در اولین آیاتی که به پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نازل شده، خداوند خود را به صفت «کریم» معرفی می‌کند: «بخوان و پروردگار تو کریم است.» (علق/۳)^۲. نیز خداوند در مرتبه‌ای دیگر فرشتگان خود را به این صفت توصیف و می‌فرماید: «نویسندگان (فرشتگان) کریم.» (انفطار/۱۱)^۳. در نهایت، خداوند گوهر هستی یعنی انسان را با کرامت تعریف و می‌فرماید: «و محققا، ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.» (اسراء/۷۰)^۴.

خداوند پیامبران و امامان را کریم و مایه کرامت انسان‌ها قرار داده است. علی (علیه‌السلام)، پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و اهل بیت (علیهم‌السلام) را مایه عزت و کرامت امت معرفی می‌کند و می‌فرماید: «همه حقایق کریمه قرآن در اهل بیت (علیهم‌السلام) متجلی است و در اثر علم سرشار، دارای تقوای وافرنده و مظهر کریم‌اند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴)^۵. امام حسین (علیه‌السلام) در خطبه شب عاشورا، حمد و ثنای الهی را به سبب کرامت نبوی آغاز و می‌فرماید: «خدایا سپاس گویم تو را از اینکه ما را به نبوت گرامی داشتی، قرآن را به ما آموختی و در دین ما آگاه ساختی و گوش‌های شنوا، دیده‌های بینا و دل‌های آگاه به ما دادی و ما را از مشرکان قرار ندادی.» (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۶: ۲۳۸ و ۲۳۹؛ ابن‌اثیر،

1. Human dignity

۲. أَفْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ.

۳. كَرَامًا كَاتِبِينَ.

۴. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا.

۵. فِيهِمْ كَرَامَتِ الْقُرْآنِ وَهُمْ كُنُوزُ الرَّحْمَنِ إِنْ نَطَقُوا صَدَقُوا وَإِنْ صَمَتُوا لَمْ يَسْفُحُوا.

بی تا، ج ۴: ۳۴) ۱.

امام رضا (علیه السلام) در تبیین و تشریح ابعاد کرامت انسانی بر اساس آموزه های قرآن و سنت، اثرات معنوی و تربیتی خدمت‌رسانی به نیازمندان را بر اساس روایتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) چنین می‌فرماید: «به پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفته شد: فلانی هلاک گردیده چون گناهی چنین و چنان مرتکب می‌شود. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: بلکه او نجات یافت و خداوند عمل او را به نیکی به پایان خواهد رساند. خداوند گناهان او را پاک خواهد ساخت و به حسنات تبدیل خواهد کرد، زیرا او از راهی می‌گذشت؛ مؤمنی را دید که برخی از اندام او (که باید پوشیده باشد) آشکار شده است و خود او نمی‌دانست. آن را پوشاند و به او چیزی نگفت تا مبادا شرمگین شود.» (ابن بابویه، ۱۳۳۷، ج ۲: ۱۶۹) ۲.

ایشان همچنین در تبیین رابطه شکرگزاری در کمال و کرامت انسانی می‌فرمایند: «بدانید که پس از ایمان به خدا و پذیرش حقوق اولیای او از آل محمد (صلی الله علیه و آله) سپاسگزاری محبوب‌تر نزد خداوند از یاری‌رسانی به برادران مؤمن نیست؛ یاری‌رسانی به زندگی دنیای آنان که راهی است برای رسیدن ایشان به بهشت. کسانی که چنین یاری‌ای برسانند از ویژگان درگاه الهی‌اند.» (ابن بابویه، ۱۳۳۷، ج ۲: ۱۶۹) ۳.

بنابراین، کرامت انسانی از موضوعات مهم در معارف دینی و فرهنگ رضوی است. با وجود معارف غنی و تبیین‌ها و تحلیل‌ها در موضوع کرامت انسانی از زوایای مختلف، هنوز هم ابعاد ناشناخته این موضوع در مجموعه معارف اسلامی وجود

۱. اللهم انی احمدک علی ان اکرمتنا بالتبوة و علمتنا القرآن و فقهتنا فی الدین و جعلت لنا اسماعا و ابصارا، و افئدة، و لم تجعلنا من المشرکین.

۲. قیل یا رسول الله هلک فلان یعمل من الذنوب کیت و کیت. فقال رسول الله، بل قد نجی ولا یختم الله عمله الا بالحسنى، سیمخوا الله عنه السیئات و یدلها من حسنات؛ انه یمر مرّة فی طریق عرض له مؤمن قد انکشف عورته وهو لا یشعر، فسترها علیه ولم یخبره بها مخافة ان یخجل.

۳. وعلیموا انکم لا تشکرون الله تعالی بشیء بعد الايمان بالله و بعد الاعتراف بحقوق اولیاء الله من آل محمد (ص)، أحب الیه من معاونتکم لاخوانکم المؤمنین علی دنیاهم التی هی معبر لهم الی جنان ربهم، فان من فعل ذلك کان من خاصّة الله تبارک و تعالی.

دارد، که نیاز به طرح مسئله و واکاوی دارد. یکی از موضوعات اساسی که از نگاه پژوهشگران به دور مانده، تبیین و تحلیل مبانی دینی کرامت انسانی است. این تحقیق تلاش می‌کند به یکی از مسائل اساسی کرامت انسانی؛ یعنی تبیین مبانی و ارائه مدل مفهومی کرامت انسانی از منظر آموزه‌های دینی با تأکید بر فرهنگ رضوی بپردازد.

۲. ادبیات موضوع

مفهوم کرامت همانند بسیاری از مفاهیم دیگر، دارای معانی و تعریف‌های مختلف است. اندیشمندان اسلامی در تعریف لغوی کرامت می‌نویسند: «کرامت عبارت است از عزت و برتری در ذات چیزی بدون در نظر گرفتن برتری آن نسبت به چیزی که فروتر است. کرامت در مقابل پستی و خواری قرار می‌گیرد، همان‌گونه که عزت در مقابل ذلت و بزرگی در مقابل خردی. و اما شرافت، بیشترین مورد استعمال آن در برتری‌ها و امتیازهای مادی است.» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۴۶). همچنین راغب اصفهانی در تعریف لغوی کرامت می‌نویسد: «کرم اگر وصف خداوند باشد، اسمی برای احسان و نعمت‌های آشکار اوست و هرگاه انسان با وصف کرم توصیف شود، اسمی برای افعال و اخلاق ستوده اوست که ظاهر شود و تا آن صفات از او صادر و ظاهر نشود، به او کرم گفته نمی‌شود.» (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: ۴۲۸).

کرامت واژه‌ای عربی است و معادل دقیق فارسی ندارد، اما در کتاب‌های لغت معانی مختلفی برای آن بیان شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: بزرگی و ورزیدن، جوانمرد گردیدن، ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگی، بزرگواری، جوانمردی، عزت، شرافت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزاهت از فرومایگی و پاک‌بودن از آلودگی‌ها، احسان و بخشش. البته به امور خارق‌العاده‌ای که اولیای الهی انجام می‌دهند نیز کرامت می‌گویند.» (معین، ۱۳۶۸، ج ۳: ۲۹۲۹؛ دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۱۶۰۷۰؛ آذرتاش، ۱۳۸۱: ۵۸۵).

کرامت انسانی با وجود اهمیت بسیار والایی که دارد، تاکنون در هیچ یک از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها، تعریف جامع و مانعی برای آن ارائه نشده است، بلکه هر مکتب و اندیشه‌ای تعریف خاص و مورد نظر خود را مطرح کرده است. در اندیشه اسلامی نیز از رویکردهای گوناگون نسبت به کرامت انسان، همچون رویکرد فقهی، عرفانی، اخلاقی، فلسفی و حقوقی سخن به میان آمده است و تفسیرهای متفاوتی از آن ارائه شده است (یدالله‌پور، ۱۳۹۱: ۳۹).

تعریف اصطلاحی کرامت نیز از منظر اندیشمندان محل اختلاف است. «طباطبائی» با تقسیم کرامت انسانی به کرامت ذاتی و اکتسابی، در تعریف کرامت اکتسابی می‌نویسد: «کرامت اکتسابی عبارت است از شرافت و حیثیتی که انسان به‌صورت ارادی و از طریق استفاده بهینه از استعدادها و توانایی‌های خدادادی خویش، در مسیر رشد و کمال به‌دست می‌آورد. هرچند همه انسان‌ها دارای استعدادها و توانایی‌های شگرفاند، تنها انسان‌هایی به کرامت اکتسابی دست می‌یابند که دارای جهان‌بینی صحیح باشند و با پیروی از شریعت اسلامی، استعدادهای خدادادی خویش را برای کسب کمالات انسانی به‌کار گیرند. بنابراین، کرامت اکتسابی همان کمالات وجودی است که بر اثر رعایت تقوای الهی و حرکت در مسیر عبودیت نصیب انسان می‌شود.» (طباطبائی، ۱۳۷۲، ج ۱۸: ۳۵۶-۳۵۷). فیلسوف آلمانی «مانوئل کانت»^۱ در تعریف کرامت انسان می‌گوید: «کرامت انسانی آن نوع حرمت و ارزشی است که تمام انسان‌ها به‌جهت استقلال ذاتی و توانایی‌های اخلاقی‌ای که دارند، به‌طور ذاتی و یکسان از آن برخوردارند.» (حبیبزاده و رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۲۸).

نسبت به کرامت انسانی، دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلفی وجود دارد که می‌توان آنها را در سه محور خلاصه کرد:

۱. رویکرد دینی کلاسیک و سنتی؛ که در تبیین کرامت انسانی، منشأ آن را الهی قلمداد می‌کند. از یک طرف به کرامت ذاتی معتقد است و از طرف دیگر به

1. Immanuel Kant

اقتضائی بودن آن توجه دارد و به نوعی دچار تناقض است.

۲. رویکرد روشنفکری دینی؛ که در تبیین کرامت انسانی، در کنار توجه به آموزه‌های دینی، به یافته‌های بشری و آشتی میان دین و مدرنیته هم عنایت دارد.

۳. رویکرد حقوق بشری و سکولار؛ که در تبیین کرامت انسانی، منشأ آن را خود انسان و ویژگی‌های ذاتی او می‌داند (همان).

در اسلام دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده است:

۱. کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشتن و دیگران آن را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند.

۲. کرامت ارزشی که از به‌کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌شود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است. ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۷۹).

کرامت انسانی در پژوهش‌های قرآنی مورد توجه قرار گرفته است. تأمل در آرای قرآن‌پژوهان و مفسران نشان از آن دارد که در بحث کرامت انسان، اندیشه واحدی مشاهده نمی‌شود. برخی از قرآن‌پژوهان به جای کرامتِ «ذاتی»، از کرامت «اقتضایی» دفاع کرده‌اند. طبق این دیدگاه، هرچند انسان بالقوه گوهری شریف است، «انسان بما هو انسان» کرامت ذاتی بالفعل ندارد بلکه تنها انسان مؤمن است که کرامت ذاتی خود را به فعلیت رسانده است. آنان برای این نگرش به دلایل متعددی تمسک جسته‌اند که مهم‌ترین آنها، آیاتی از قرآن مجید است که گمراه‌تر بودن بعضی از انسان‌ها نسبت به حیوانات را مطرح کرده است (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۰۷).

جدول ۱-۱. خلاصه آثار و پژوهش های انجام یافته در موضوع کرامت انسانی:

عنوان اثر	نوع اثر	مؤلف و محقق	تاریخ
کرامت انسان در قرآن	کتاب	یداله پور	۱۳۹۱
اسلام و کرامت انسان	کتاب	صدر	۱۳۸۳
نگرش اسلامی به کرامت انسانی	مقاله علمی پژوهشی	رحیمی نژاد	۱۳۹۰
کرامت انسان در قرآن و روایات	مقاله علمی پژوهشی	رحمانی زروندی	۱۳۸۹
کرامت اکتسابی انسان از دیدگاه علامه طباطبایی	مقاله علمی پژوهشی	محسنی	۱۳۹۳
شاخص های کرامت انسان در آموزه های قرآن	مقاله علمی پژوهشی	نساجی زواره	۱۳۹۲
بررسی نقش مؤلفه های کرامت در کمال انسان از منظر امام رضا (ع)	مقاله علمی پژوهشی	صالحی و سروری مجد	۱۳۹۴
تحلیل مفهوم کرامت انسانی در اندیشه سیاسی شیعه	مقاله علمی پژوهشی	میر احمدی و کمالی گوکی	۱۳۹۳
ملاک کرامت مندی انسان در اندیشه سیاسی کانت و علامه جعفری	مقاله علمی پژوهشی	کمالی گوکی و زمانی راد و شکوری	۱۳۹۵
کرامت اقتضایی انسان بر اساس مستندات آیات الهی	مقاله علمی پژوهشی	محمد سبحانی نیا	۱۳۹۵
جایگاه کرامت انسانی در گستره اخلاق زیستی	مقاله علمی پژوهشی	سبحانی نیا	۱۳۹۵
کرامت ذاتی انسان در عرفان ابن عربی	مقاله علمی پژوهشی	رهبرپور	۱۳۹۰
کرامت انسانی؛ فصل الخطاب اندیشه های دینی و تفکرات اخلاقی	مقاله علمی پژوهشی	سید رضا فیض حمیدرضا صالحی و محمود عباسی	۱۳۹۰

در بررسی نقش مؤلفه‌های کرامت در کمال انسان از منظر امام رضا (علیه‌السلام) محقق به این نتیجه رسیده است که از دیدگاه امام رضا (علیه‌السلام) مؤلفه‌های کرامت انسانی مانند عبودیت، عقلانیت، آزادی‌خواهی، عدالت‌محوری و شاکر بودن، نقش زیربنایی در کمال وجودی انسان دارد زیرا هر کدام از این مؤلفه‌ها در بردارنده آثار و مراتب کمالی است. اولین مرتبه عبادت، شناخت خداست و مبنای خداشناسی «توحیدمحوری» است. عقل‌گرایی نظری و عملی سبب کسب معرفت نسبت به حقایق و عمل به آنها می‌شود. آزادی‌خواهی مانع رکود در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی می‌شود. عدالت‌محوری از رفتارهای غیرکمالی مانند فساد و رشوه جلوگیری می‌کند. شکرگرایی حقیقی نیز با طی مراحل باور توحیدی، ادای حق و خدمت به خلق ممکن می‌شود (صالحی و سروری مجد، ۱۳۹۴: ۹۳).

«میراحمدی و کمالی گوکی» در مقاله خود با عنوان «تحلیل مفهوم کرامت انسانی در اندیشه سیاسی شیعه؛ مطالعه موردی: اندیشه امام خمینی (ره)» بیان داشته‌اند که با توجه به دو نظریه فطرت، کرامت به‌طور بالقوه در همه انسان‌ها مشترک است. انسان به دلیل برخورداری از مقام خلافت‌اللهی، برخوردار از کرامت ذاتی است، اما ارتکاب اعمال مغایر با این کرامت سبب سلب آن می‌شود و چنانچه لوازم خلیفه‌بودن را فراهم کند، از کرامت برخوردار است (میراحمدی و کمالی گوکی، ۱۳۹۳: ۲۷).

در بررسی تطبیقی ملاک کرامت‌مندی انسان در اندیشه سیاسی کانت و علامه جعفری در قالب سه نظریه انسان‌گرایانه، افزوده و انسانیت بالقوه، کانت با نگاه انسان‌گرایانه امکان سلب کرامت را از انسان منتفی می‌داند در صورتی که علامه جعفری با نگاه دین‌مدارانه انسان را خلیفه خدا برمی‌شمارد که در قبال جایگاهش وظایفی دارد و در صورت نقض این وظایف، کرامتش نیز به دست خودش از او سلب می‌شود (کمالی گوکی، زمانی‌راد و شکوری، ۱۳۹۵: ۹۱).

«سبحانی‌نیا» در نقد کرامت اقتضایی انسان بر اساس مستندات آیات الهی به این

نتیجه رسیده است که کرامت انسانی ذاتی اوست و استناد برخی بر آیات مثل «... کالانعام بل هم اضل» نمی‌تواند عمومیت آیه «ولقد کرّمنا بنی آدم» را تخصیص زند زیرا آیه مذکور ناظر به سلب کرامت اکتسابی از انسان به سبب غفلت و دوری از خداست (سبحانی نیا، ۱۳۹۴: ۱۳۲). کرامت ذاتی با اعمال نیک به وجود نیامده که با اعمال قبیح از میان برود. در بررسی جایگاه کرامت انسانی در گستره اخلاق زیستی، با لحاظ قرائت‌ها و رهیافت‌های مختلف نسبت به اخلاق، هرگونه تحدید و ممنوعیت در قلمرو اخلاق زیستی، به رعایت و لحاظ ابعاد کرامت در هویت انسانی مستند می‌گردد (رهبرپور، ۱۳۹۵: ۲۰).

به‌هرحال، مبانی نظری و ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که موضوع کرامت انسانی یک موضوع مهم و گسترده بوده و از نظر اندیشمندان مسلمان (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۷۹) منشأ و خاستگاه کرامت انسانی، کرامت ارزشی است. با وجود تحقیقات انجام گرفته در موضوع کرامت انسانی، مبانی کرامت انسانی و ارائه مدل مفهومی آن با رویکرد کرامت ارزشی مبتنی بر مبانی دینی و فرهنگ رضوی، به صورت علمی و روشمند صورت نگرفته است. بنابراین، این پژوهش به دور از نگاه فلسفی به مبانی کرامت انسانی، تلاش دارد خاستگاه و منشأ کرامت انسانی را بر اساس مبانی دینی و فرهنگ رضوی بررسی و الگویی از مبانی کرامت انسانی را ارائه کند.

۳. ضرورت انجام تحقیق

بررسی مبانی کرامت انسانی از منظر دین و ارائه مدل مفهومی آن، از ابعاد مختلف دارای اهمیت و ضرورت است. در عصر حاضر به دلیل همه‌های شدید به مبانی دینی و کرامت انسانی از یک سو و غلبه نگاه ابزارگرایانه به انسان و فروکاستن از کرامت ارزشی و ارزش‌های معنوی و فراروایی آن از سوی دیگر، ضرورت پرداختن به مبانی کرامت انسانی از منظر آموزه‌های دینی را صدچندان می‌کند.

یکی دیگر از ضرورت‌های موضوع و اهمیت تبیین درست و منطقی مبانی کرامت انسانی از منظر آموزه‌های دینی با تأکید بر فرهنگ رضوی از آن جهت است که دوران معاصر به دلیل گسترش اندیشه‌های اومانیستی و سکولار که به کرامت تکوینی به‌منزله کرامت ذاتی و ارزشی نگریسته و به‌صرف برخوردار از آن، انسان بر همه مخلوقات برتر دانسته می‌شود، پاسخ داده و با گسترش گفتمان دینی که نیاز حیاتی امروز جامعه است، راه رسیدن انسان به عزت و کرامت حقیقی را به‌درستی ترسیم و تبیین نماید. ترسیم درست جایگاه این مفهوم در آموزه‌های رضوی چهره انسان‌گرایی اسلام و چهره واقعی انسان را نشان می‌دهد.

۴. اهداف و سؤال‌های تحقیق

هدف این پژوهش، تبیین مبانی اساسی کرامت انسان و ارائه مدل مفهومی آن از منظر آموزه‌های دینی با تأکید بر فرهنگ رضوی است. در راستای تحقق این هدف، این پژوهش به‌دنبال پاسخ به سؤال‌های زیر است:

۱. مبانی اساسی کرامت انسانی بر اساس آموزه‌های دینی و فرهنگ رضوی کدامند و چگونه می‌توان آن را تبیین نمود؟
۲. بر اساس مبانی کرامت انسانی مبتنی بر آموزه‌های دینی با تأکید بر فرهنگ رضوی، چگونه می‌توان مدل مفهومی و الگوی آن را ارائه کرد؟

۵. روش پژوهش

در این تحقیق برای پاسخ‌دادن به سؤال‌های پژوهش از روش تحلیل مضمون^۱ و شبکه مضامین^۲ استفاده شده است. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل

1. Thematic Analysis
2. Thematic Network

و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (بروان و کلارک، ۲۰۰۶؛ عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۳). به‌طور کلی، تحلیل مضمون روشی است برای: الف) دیدن متن؛ ب) برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب؛ ج) تحلیل اطلاعات کیفی؛ د) مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ، ه) تبدیل داده‌های کیفی به کمی (Boyatzis, 1998: 4). بنابراین در تحلیل مضمون، همه منابع داده‌ها، بررسی و مضامین کل داده‌ها، تحلیل و تفسیر می‌شود.

شبکه مضامین نیز روش مناسبی در تحلیل مضمون است که «آتراید-استیرلینگ» (۲۰۰۱) آن را توسعه داده است. آنچه شبکه مضامین عرضه می‌کند نقشه‌ای شبیه تارنما به‌مثابه اصل سازمان‌دهنده و روش نمایش است (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۰). شبکه مضامین براساس روندی مشخص، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان‌دهنده (مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه) و مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را نظام‌مند می‌کند. سپس این مضامین به‌صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود (همان). با توجه به روش‌های متنوع در تحلیل مضمونی، می‌توان از انواع مختلف مضامین استفاده کرد. در این تحقیق از مضامین کلان، یکپارچه‌کننده و کلیدی استفاده شده است. روش جمع‌آوری و کدگذاری مضامین در سطوح مختلف چنین است که ابتدا بر اساس سؤال‌ها و پیشینه نظری تحقیق و علاقه تحلیل‌گر، ابتدا مضامین کلان مشخص و به‌همین ترتیب برای مضامین یکپارچه‌کننده و نیز مضامین کلیدی کدهایی اختصاص می‌یابد و با روش استقرائی و مطالعه دقیق متن، مضامین استخراج و طبقه‌بندی می‌شوند.

جامعه آماری این تحقیق منابع دست اول و دوم دین اسلام است. نمونه آماری آن بخشی از آموزه‌های دینی و فرهنگ رضوی است که به صورت هدفمند و در راستای اهداف و سؤال‌های تحقیق استفاده شده است. واحد تحلیل در این تحقیق جمله است. در این تحقیق، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش «تحلیل مضمون» و «شبکه مضامین» استفاده می‌شود. برای اینکه مضامین مرتبط با اهداف و سؤال‌های تحقیق باشد و برای سنجش اعتبار و روایی تحقیق، از نظرهای صاحب‌نظران، استادان و خبرگان موضوع استفاده و دقت شده تا مضامین مختلف در راستای پاسخ به سؤال‌ها و بر اساس مبانی نظری و پیشینه، انتخاب شود. برای محاسبه پایایی نیز از روش هولستی که برآورد ضریب توافق دو نوع کدگذاری دستی است، استفاده شده که فرمول آن چنین است:

$$(PAO = 2M / (n1+n2=983 \times 2 / (1015+998)) = \% 95$$

که در آن PAO به معنای درصد توافق مشاهده شده (ضریب پایایی)، M تعداد توافق در دو مرحله کدگذاری و n1 تعداد واحدهای کدگذاری شده در مرحله اول و n2 تعداد واحدهای کدگذاری شده در مرحله دوم است. این رقم میان صفر (هیچ توافق) و یک (توافق کامل) متغیر است.

۶. یافته‌های تحقیق

۶-۱ تبیین مبانی کرامت انسانی در آموزه‌های دینی با تأکید بر فرهنگ رضوی

مبانی در فرهنگ لغت به معنای بنیاد، شالوده، بنیان، اساس، پایه و ریشه تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۵۳۷). در اصطلاح نیز به معنای پیش‌فرض‌ها و باورهای اعتقادی و دلیل نیز آمده است (شایان‌مهر، ۱۳۷۹: ۵۲۳). در این پژوهش منظور از مبانی کرامت، ریشه‌ها و باورهای دینی و اعتقادی است که ارزش و کرامت انسان بر آنها بنا نهاده شده است. مبانی کرامت انسانی، ریشه‌های انسانیت انسان

است. خیلی از حقوق طبیعی و اکتسابی انسان از این ریشه‌ها نشأت می‌گیرد. در آموزه‌های فرهنگ رضوی، مبانی کرامت انسانی ریشه در بعد الهی و معنوی انسان دارد. در آموزه‌های فرهنگ رضوی، انسان با سه رکن علم، ایمان و عمل صالح به درجه کرامت انسانی نایل می‌گردد. چنان‌که در اندیشه مفسر بزرگ قرآن، علامه طباطبایی آمده است؛ انسان به اندازه عبودیت خویش، جامه کرامت و خلافت را در بر می‌کشد؛ زیرا کرامت انسانی، تجلی کرامت الهی است و هر انسانی که بخواهد به کرامت انسانی برسد، مسیری جز عبودیت و تقرب الی‌الله برایش وجود ندارد. چنان‌که خداوند می‌فرماید: «کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزت برای خداست سخنان پاکیزه به‌سوی او صعود می‌کند و عمل صالح را بالا می‌برد» (فاطر/۱۰)^۱. در واقع، غنا و مالکیت مطلق خدای سبحان از سویی و فقر ذاتی و مملوکیت مطلق همه مخلوقات از سوی دیگر، ایجاب می‌کند که انسان همان‌گونه که به‌لحاظ تکوینی خدا را آفریدگار و پروردگار همه موجودات می‌داند، به‌لحاظ تشریحی نیز به‌صورت کمال و تمام تسلیم اراده تشریحی حق باشد و تنها از او فرمانبرداری کند. سر باز زدن از اوامر الهی و اعلام استقلال در برابر خداوند سبحان، نشانه تفرعن و استکبار است و موجب می‌شود که انسان بر اثر عناد و دشمنی با حقایق مسلم، به عذاب همیشگی گرفتار آید. انسان اگر طالب کرامت است، باید در همه اندیشه‌ها، رفتارها و غایت‌های خویش، همه رضای خداوند سبحان و تقرب به او را در نظر داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۰۳).

مضمون کلان مبانی کرامت انسانی، بر اساس مبانی نظری و پیشینه تحقیق، به سه مضمون یکپارچه‌کننده «مبانی اعتقادی»، «مبانی معرفتی» و «مبانی ارزشی» تحلیل یافته است. مضمون یکپارچه‌کننده مبانی اعتقادی خود به ۷ مضمون کلیدی زیر تحلیل یافته است: «خلیفة‌اللهی، حامل اسماء الهی، روح الهی، امانتداری الهی، هدایت الهی، اشرف مخلوقات و عبد الهی». مضمون یکپارچه‌کننده مبانی معرفتی به ۳ مضمون کلیدی زیر تحلیل یافته است: «عقلانیت، کسب دانش و درک و فهم». و

۱. مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ.

در نهایت، مضمون یکپارچه‌کننده مبانی ارزشی بر اساس جدول ۱-۱ به ۱۲ مضمون کلیدی تجزیه شده است: «تقوا، عدالت، آزادی، رعایت حقوق، عزتمندی، صبر و اسقامت، احسان، احترام، محبت، گذشت و ایثار، صداقت، دوستی».

۱-۱-۶ مبانی اعتقادی

مبانی اعتقادی کرامت انسانی منشأ و خاستگاه اصلی کرامت انسانی را تشکیل می‌دهد. مضامین کلیدی آن عبارتند از: «خلیفة‌اللہی، حامل اسماء الہی، روح الہی، امانتداری الہی، هدایت الہی، اشرف مخلوقات و عبد الہی». به عبارت دیگر، مبنا و منشأ کرامت انسانی در خلیفة‌اللہی، حامل اسماء الہی، روح الہی، امانتداری الہی، هدایت الہی، اشرف مخلوقات و عبد الہی بودن است. در آموزه‌های فرهنگ رضوی، عبودیت مسیر تکامل انسان و تجلی و ظهور صفات الہی در انسان است. بر اساس آموزه‌های فرهنگ رضوی، هدف از خلقت انسان، عبودیت است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «مَنْ جَنَّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)» (ذاریات/ ۵۶)^۱. امام رضا (علیه‌السلام) به‌عنوان مفسر حقیقی قرآن و سنت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز عبودیت را جزء مؤلفه‌های کرامت انسانی معرفی می‌کند و در روایتی می‌فرمایند: «دشوارترین عبادت، تقوا و پرهیزگاری است.» (حویزی، ۱۳۸۳ ق، ج ۱: ۳۰)^۲. قرآن نیز معیار کرامت ارزشی انسان را تقوا می‌داند و می‌فرماید: «همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا، باتقواترین شماست.» (حجرات/ ۱۳)^۳. بنابراین، عبودیت، تقوایی است که کرامت می‌بخشد.

در آموزه‌های فرهنگ رضوی، عبادت تنها در بعد آئینی محصور نیست، بلکه در ابعاد وسیع‌تر که تأمین‌کننده کرامت انسانی است، گسترش می‌یابد. فرهنگ و ارزش‌ها، آداب و رسوم و سنت‌ها و حتی طبیعت به‌عنوان مظهر آیات الہی، رنگ

۱. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.

۲. إِنَّ أَشَدَّ الْعِبَادَةِ الْوَرَعَ.

۳. إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ.

الهی گرفته و با شناخت انسان، گام در مسیر سعادت و کمال برمی‌دارد. بر اساس چنین برداشتی از عبادت که دربرگیرنده ابعاد آئینی، اجتماعی و آفاقی است، کرامت انسان تضمین می‌شود و انسانی در طراز مکتب رضوی تربیت می‌گردد. چنان‌که امام رضا (علیه‌السلام) در نمود آفاقی عبادت می‌فرماید: عبادت به بسیاری روزه و نماز نیست، بلکه به بسیار اندیشیدن در کار خدا (و عظمت‌های آفرینش ژرف و پهناور جهان و اسرار آفرینش انسان) است (مجلسی، بی تا، ج ۶۷: ۳۳۵ و کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۵۵).

بنابراین، بندگی حقیقی اطاعت مطلق از خداوند و پذیرفتن ولایت اوست. از ابراهیم بن عباس صولی نقل شده است: «من هرگز ندیدم که امام رضا (علیه‌السلام) کسی را با سخن رنجانده باشد و هرگز ندیدم که او سخن کسی را قطع کرده باشد، مردی به ایشان گفت: به خدا سوگند که بر روی زمین بزرگوارتر و شریف‌تر از پدرانست یافت نمی‌شود. فرمود: تقوا آنان را شرافت بخشیده. ایشان به اباضیت فرمود: ای عبدالسلام! آیا تو نیز همچون دیگران منکر آن هستی که خداوند عزوجل ولایت ما را واجب گردانده است؟ گفتم: معاذاً بالله! من به ولایت شما اعتراف دارم.»

آن حضرت چنین اتهامی را که دشمنان می‌خواستند از طریق آن به ایشان توهین روا دارند، رد می‌کند و آن را در شمار ستم‌هایی که امت در حقشان روا داشته، آیات قرآنی است که هیچ کس را بر دیگری جز به تقوا، برتر نمی‌داند: (حجرات/۱۳)^۲ و امام تأکید می‌کند که خداوند تنها و تنها حق ولایت بر مردم و برخوردار از طاعت آنان را بر ایشان مقرر داشته که آن هم به مصلحت مردم و رهنمونی آنها در راه درست و راستی است که کرامت دنیا و آخرتشان را تضمین می‌کند. (معروف‌الحسنی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۶۷ و ۳۶۶).

از این‌رو، انسان برگزیده و خلیفه خداست. امام خمینی (ره) در تبیین این بعد از ابعاد وجودی انسان می‌فرماید: «خدای تعالی به حسب مقام الهیت همه صفات متقابله

۱. لَبَسَ الْعِبَادَةَ كَثْرَةَ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ، وَأَمَّا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ.

۲. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاهُمْ.

را مانند رحمت و غضبی، بطون و ظهور، اولیت و آخریت و سخط و رضا مستجمع است و انسان که خلیفه اوست، به واسطهٔ قربش به آن حضرت و نزدیک بودنش به عالم وحدت و بساطت با دو دست لطف و قهر حضرت حق آفریده شده است و به همین جهت است که خلیفه الله همچون حضرت باری تعالی که مستخلف عنه است، مستجمع صفات متقابل است.» (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۴۹-۵۱).

از مضامین مهم مبانی اعتقادی، حامل بودن انسان به اسماء الهی است. مفسران منظور از اسماء را الواح تفسیر کرده اند. مولانا در تبیین اسماء الهی می فرماید:

بوالبشر کو علم الاسما بگست

صد هزاران علمش اندر هر رگست

اسم هر چیزی چنان کان چیز هست

تا به پایان جان او را داد دست

هر لقب کو داد آن مبدل نشد

آنک چستش خواند او کاهل نشد

هر که اول مؤمنست اول بدید

هر که آخر کافر او را شد پدید

اسم هر چیزی تو از دانا شنو

سر رمز علم الاسما شنو

(مولوی، ۱۳۷۵، دفتر اول).

جدول ۱-۲. مضامین مربوط به جایگاه کرامت انسان

مضامین کلیدی	مضامین یکپارچه کننده	مضامین کلان	قلمرو سؤال تحقیق
خلیفة اللہی	مبانی اعتقادی (ایمان)	مبانی کرامت انسانی	چرائی
حامل اسماء الہی			
روح الہی			
امانتداری الہی			
هدایت الہی			
اشرف مخلوقات			
عبد الہی			
عقلانیت	مبانی معرفتی (علم)		
کسب دانش			
درک و فهم			
تقوا	مبانی ارزشی (عمل)		
عدالت			
آزادی			
رعایت حقوق			
عزتمندی			
صبر و اسقامت			
احسان			
احترام			
محبت			
گذشت			
صداقت			
دوستی			
۲۲		۳	۱

بنابراین عبودیت، اصلی بنیادین و منشأ کرامت انسان است. انسان با ایمان به فرمان

الهی: بگو: خدا خالق همه چیز است؛ (رعد/۱۶)^۱؛ و اوست یکتا و پیروز، خلیفه‌اللهی، حامل اسماء الهی، روح الهی، امانتداری الهی، هدایت الهی، اشرف مخلوقات و عبد الهی بودن، لباس بزرگی، عزت و کرامت را به جان می‌پوشد و بر جهان سروری می‌کند.

۲-۱-۶ مبانی معرفتی

یکی دیگر از مبانی مهم کرامت انسانی، قدرت درک و فهم، قدرت تشخیص و تمییز و توانایی تعقل و تفکر است. اهمیت این مضامین در سرنوشت انسان چنان است که در آموزه‌های فرهنگ رضوی و به‌خصوص قرآن کریم، به دفعات تأکید شده است. خداوند در قرآن بهره‌گیری از عقل را یادآوری می‌کند و می‌فرماید: «آیا آنان در زمین سیر نکردند تا آنان را قلب‌هایی باشد که با آن درک کنند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند زیرا چشم‌های ظاهر نابینا نمی‌شود بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شود.» (حج/۴۶)^۲. از این‌رو، وجود عقل در انسان جنبه کرامت‌بخشی دارد زیرا به‌واسطه همین عقل، انسان اشرف مخلوقات به‌شمار می‌رود و خداوند در خلقت آن به خود تبریک گفته است.

در آموزه‌های فرهنگ رضوی نیز به موضوع معرفت و کسب آن تأکید شده است. از دیدگاه امام رضا (علیه‌السلام) عقل‌گرایی و کسب معرفت یکی از مؤلفه‌های مهم کرامت انسان است. حضرت در خطبه توحید می‌فرماید: «به‌وسیله عقول معرفت خدا حاصل می‌شود^۳، سرآغاز عبادت نیز معرفت و خداشناسی است.» (ابن بابویه، ۱۳۳۷، ج ۱: ۱۴۹)^۴. بنابراین، معرفت و عبودیتی که با عقلانیت به‌دست می‌آید، سبب کرامت انسان می‌شود.

امام رضا (علیه‌السلام) در تبیین تکامل عقل انسان می‌فرماید: «عقل مسلمان کامل نمی‌شود تا این که ده خصلت در او یافت شود: از او امید خیر باشد، از بدی او در امان

۱. قُلْ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ.

۲. أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ.

۳. وَالْقَوْلُ تَعْتَدُ مَعْرِفَتَهُ.

۴. أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ تَعَالَى مَعْرِفَتُهُ.

باشند، خیر اندک دیگری را بسیار شمارد، خیر بسیار خود را کم گیرد، هر چه حاجت از او خواهند دلتنگ نشود، در طول عمر خود از جستجوی دانش خسته نگردد.» (ابن شعبه، ۱۳۸۲: ۳۲۶).^۱

مضامین تفکر و اندیشیدن در آموزه‌های رضوی در ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفته است. در یکی از روایات، امام رضا (علیه‌السلام) تفکر در آیات و نشانه‌های الهی را بهترین نمود و مصداق عبادت آفاقی تعریف می‌کند و می‌فرماید: «عبادت به بسیاری روزه و نماز نیست، بلکه به بسیار اندیشیدن در کار خدا (و عظمت‌های آفرینش ژرف و پهناور جهان و اسرار آفرینش انسان) است» (مجلسی، بی تا، ج ۷۵: ۳۳۵؛ کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۵۵).^۲ در مکتب امام رضا (علیه‌السلام) پرستش خداوند که با تفکر و شناخت همراه باشد ارزشمند است، و عبادتی که عقلانی باشد عبادت است؛ یعنی انسان با فکر و توجه باطنی به نیایش پردازد، و به روح عبادت نزدیک گردد.

بنابراین، اندیشیدن و تفکر در آموزه‌های مکتب رضوی یکی از مبانی مهم کرامت انسانی است. انسان دارای تفکر و از طریق اندیشیدن راه فلاح و رستگاری را طی می‌کند. در فرهنگ رضوی اندیشیدن آینه اصلاح درون و برون است. امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اندیشیدن آینه توست که زشتی‌ها و خوبی‌هایت را به تو نشان می‌دهد.» (مجلسی، بی تا، ج ۷۱: ۳۲۵).^۳ انسان با اندیشیدن در دنیای درون خود، می‌تواند به هنجارهای روحی خویش پی‌ببرد و ناهنجاری‌ها و کاستی‌هایش را بشناسد و در صدد رفع و اصلاح آنها برآید.

امام رضا (علیه‌السلام) همانند جد بزرگوارش انسان‌ها را به «ز گهواره تا گور دانش بجوی» توصیه می‌کرد و می‌فرمود: در تمام دوران عمر به دانش‌اندوزی می‌پردازد (و از این کار خسته نمی‌شود) (ابن شعبه، ۱۳۸۲: ۳۳۰).^۴ همچنین، آن حضرت تأکید می‌فرماید: عقل نعمتی است که از طرف خداوند به بندگان عطا شده است و ادب با

۱. لَا يَتَمُّ عَقْلُ امْرِءٍ مُسْلِمٍ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ: الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ، وَ الشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ، يَسْتَكْبِرُ قَلِيلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ، وَ يَسْتَقِيلُ كَثِيرَ الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ.

۲. لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ، وَأَمَّا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ.

۳. التَّفَكُّرُ بِرَأْسِكَ تُرِيكَ سَيِّئَاتِكَ وَ حَسَنَاتِكَ.

۴. وَلَا يَمَلُ مِنَ طَلَبِ الْعِلْمِ طَوْلُ ذَهْرِهِ.

مشقت به دست می‌آید. هر کس با سختی و مشقت دنبال ادب برود، به مقصود خود خواهد رسید، ولی عقل با مشقت به دست نمی‌آید و هر کس بخوهد با مشقت عقل را به دست بیاورد، جز جهالت چیزی به دست نخواهد آورد؛ یعنی عقل اکتسابی نیست و بخشش آن از جانب خداست اما ادب و کمال، حصولی است که به اندازه تحصیل انسان به دست می‌آید (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱: ۲۲).^۱

جدول ۳-۱. مستندات مضامین کلیدی کرامت انسانی

مضامین کلیدی	مستندات	منابع
خلیفه‌اللهی	وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً.	البقره/ ۳۰
حامل اسماء الهی	وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.	البقره/ ۳۱
روح الهی	نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي.	الحجر/ ۲۹
امانتداری الهی	إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.	الاحزاب/ ۷۲
هدایت الهی	وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا بَظُلْمٍ بِهِ كَثِيرًا وَ يَهْدَى بِهِ كَثِيرًا وَ مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ. أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ.	البقره/ ۲۶ الحمد/ ۶
اشرف مخلوقات	فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ قَالَ أَلْغَيْرَ اللَّهُ أَيْغِيكُمْ إِلَهًا وَ هُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ.	المومنون/ ۱۴ الاعراف/ ۱۴۰
عبد الهی	وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.	الذاریات/ ۵۶
عقلانیت	امام رضا(ع): لَا يَتِمُّ عَقْلُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ: الْخَيْرُ مِنْهُ مَأْمُولٌ، وَ الشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ، يَسْتَكْبِرُ قَلِيلَ الْخَيْرِ مِنْ غَيْرِهِ، وَ يَسْتَقْبِلُ كَثِيرَ الْخَيْرِ مِنْ نَفْسِهِ. التَّفَكُّرُ حَيَاةَ قَلْبِ الْبَصِيرِ. فِكْرَةٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ.	تحف العقول/ ۳۳۶ اصول کافی/ ۲۸/۱ کافی/ ۲۸/۱ بحار الأنوار/ ۳۲۶
کسب دانش	امام صادق(ع): الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ، فَلَا تَرِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بَعْدًا.. امام رضا(ع): ... وَلَا يَمَلُّ مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ طَوْلَ دَهْرِهِ. طَلَبَ الْعِلْمَ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ.	الحياة/ ۹۹/۱: تحف العقول ۲۶۶/ تحف العقول/ ۳۳۰
درك و فهم	إِنَّ مِنْ عَلَامَاتِ الْفَقْهِ: الْحِلْمُ وَ الْعِلْمُ، وَ الصَّمْتُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ إِنْ الصَّمْتُ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ، إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ	تحف العقول

۱. العقل حياء من الله و الادب كلفته؛ فمن تكلف الادب قدر عليه و من تكلف العقل لم يزد بذلك الا جهلا.

تقوا	إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاهُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. فَأَنْ تَقْوَى اللَّهَ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَ ذَخِيرَةٌ مَعَادٍ وَ عِتْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ.	حجرات/ ۱۳ نهج البلاغه/ ۲۲۸
عدالت	قد أُرِمَ نَفْسُهُ الْعَدْلَ فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفَى الْهَوَى عَنْ نَفْسِهِ. مَنْ عَامَلَ النَّاسَ فَلَمْ يَظْلِمُهُمْ وَ حَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ وَ وَعَدَهُمْ فَلَمْ يَخْلِفْهُمْ فَهُوَ مِمَّنْ كَمَلَتْ مَرْوَتُهُ وَ ظَهَرَتْ عَدْلَاتُهُ وَ وَجِبَتْ أُخُوَّتُهُ وَ حُرِّمَتْ غَيْبَتُهُ.	دشتی/ ۱۳۸۴، خطبه ۸۶ وسائل الشیعة/ ج ۲۷ ص ۳۹۶
آزادی	قال(ع): لا يُبْتَاعُ حُرٌّ، فَإِنَّهُ يَصْلَحُ لَكَ وَ لَا مِنْ أَهْلِ الذَّمَّةِ.	مسند الامام الرضا(ع)/ ۳۰۴/۲
جلوگیری از فساد	أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ أُخُوَّةً فَاصْلَحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ . امام رضا(ع): إِذَا قَعَلَ النَّاسُ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ (الْمَنْهِيَاتِ)، وَ ارْتَكَبَ كُلُّ إِنْسَانٍ مَا يَشْتَهُي وَ يَهْوَاهُ، مِنْ غَيْرِ مَرَاقِبَةٍ لِأَحَدٍ، كَانَ فِي ذَلِكَ فُسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ. مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ.	الحجرات/ ۴۹ و ۱۰ عیون اخبار الرضا (ع) ۹۹/۲
عزت مندی	امام رضا(ع): لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ ثَلَاثٌ تَنْفَعُ فِي الدِّينِ وَ حَسَنِ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَ الصَّبْرِ عَلَى الرِّزَايَا.	فاطر/ ۱۰
صبر و اسقامت	امام رضا(ع): إِذَا قَعَلَ النَّاسُ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ (الْمَنْهِيَاتِ)، وَ ارْتَكَبَ كُلُّ إِنْسَانٍ مَا يَشْتَهُي وَ يَهْوَاهُ، مِنْ غَيْرِ مَرَاقِبَةٍ لِأَحَدٍ، كَانَ فِي ذَلِكَ فُسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ. مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ.	بحار الانوار/ ج ۷۵ ، ص ۳۳۹
احسان	امام رضا(ع)...: لِأَنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الرِّمَانَةِ وَ الْبَلْوَى... السُّخَى يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِیَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ وَ الْبَخِيلُ لَا يَأْكُلُ مِنْ طَعَامِ النَّاسِ لِتَلَا يَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ	عیون اخبار الرضا(ع)/ ۸۹/۲ بحار الانوار/ ج ۴۹ ، ص ۱۰۲
وفای به عهد	امام رضا(ع): سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: عِدَّةُ الْمُؤْمِنِ نَذْرٌ لِكَفَّارَةٍ لَهُ. امام رضا(ع): أَنَا أَهْلُ بَيْتِ نَرَى مَا وَعَدْنَا عَلَيْنَا دِينًا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ (ص)	بحار الأنوار ۹۶/۷۵ بحار الأنوار ۹۷/۷۵
گذشت	امام رضا(ع): مَا تَقَتَّ فِتْنَانِ قَطُّ إِلَّا نُصِرَ أَعْظَمُهُمَا عَفْوٌ افْرُبْكُمْ مَنَى مَجْلَسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ احْسِنْكُمْ خُلُقًا وَ خَيْرْكُمْ لَاهِلِهِ	مسند الامام الرضا (ع)/ ج ۱، ص ۲۹۷
صداقت	عليكم بالصدق فإنه باب من ابواب الجنة.	«میزان الحكمة/ ج ۲، ص ۱۵۷۲»
دوستی	امام رضا(ع): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ، التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ، وَ اصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَ فَاجِرٍ. امام صادق(ع): لَا وَاللَّهِ! لَا يَكُونُ (الْمُؤْمِنُ) مُؤْمِنًا أَبَدًا حَتَّى يَكُونَ لِأَخِيهِ مِثْلُ الْجَسَدِ: إِذَا ضُرِبَ عَلَيْهِ عِرْقٌ وَاحِدٌ، تَدَاعَتْ لَهُ سَائِرُ عُرُوقِهِ. امام رضا(ع) - به روایت از پیامبر(ص): لَا تَرَالُ أُمَّتِي بَخِيرًا مَا تَحَابُّوا وَ تَهَادُوا.	عیون أخبار الرضا ۳۵/۲ الحياة ۴۱۳/۱؛ بحار الأنوار ۲۳۳/۷۴ وسائل الشیعة ۲۰۲/۱۱
رعایت حقوق	امام رضا(ع): اعْلَمْ أَنَّ حَقَّ الْأَخْوَانِ وَاجِبُ فَرَضٍ وَابْتِلَاؤِ النَّفْسِ وَالْأَمْوَالِ دُونَهُمْ وَ مُؤَاَسَاتِهِمْ وَ مُسَاوَاتِهِمْ فِي كُلِّ مَا يَجُوزُ فِيهِ الْمُسَاوَاةُ وَ الْمُواسَاةُ.	بحار الأنوار ۲۲۶/۷۴ و ۲۲۷

۳-۱-۶ مبانی ارزشی

مبانی ارزشی و بایدها و نبایدها، از مبانی مهم کرامت انسانی در آموزه‌های رضوی است. مبانی ارزشی معیارها و ملاک‌های حرکت انسان در مسیر بندگی، عزت و کرامت است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست. خداوند دانا و آگاه است.» (حجرات/۱۳)^۱. مبانی ارزشی قابل حصر در مضامین مورد اشاره در جدول ۱-۲ نیست. هرچند این مضامین را می‌توان از نمونه مضامین ارزشی شمرد که شامل ارزش‌های الهی و انسانی است. این مضامین کلیدی، عبارتند از: «تقوا، عدالت، آزادی، رعایت حقوق، عزتمندی، صبر و استقامت، احسان، احترام، محبت، گذشت و ایثار، صداقت و دوستی».

مضمون تقوا که از مضامین مهم ارزشی و محور سایر ارزش‌هاست، در فرهنگ دینی، مضمون بازدارنده و حفاظت‌کننده است. علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «بندگان خدا، بدانید که تقوا خانه‌ای است از حصار و بارویی بلند و غیرقابل تسلط و بی‌تقوائی و هرزگی خانه‌ای است از حصار و بارویی پست که مانع و حافظ ساکنان خود نیست و آن کس را که به آن پناه برد حفظ نمی‌کند. همانا با نیروی تقوا نیش گزنده خطاکاری بریده می‌شود.» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۷)^۲. علی (علیه‌السلام) در این بیان عالی خود، گناه و لغزش را که به جان آدمی آسیب می‌زند، به گزنده‌ای از قبیل مار و عقرب تشبیه می‌کند که نیروی تقوا، نیش این گزندگان را می‌برد و مانع آسیب آنها می‌گردد.

امام‌رضا (علیه‌السلام) نیز با پیروی از اجداد راستینش ملاک کرامت را تقوا معرفی می‌کند و در پاسخ به ارزش‌گذاری و شرافت انسان‌ها می‌فرماید: «مردی آبه امام رضا (علیه‌السلام) [گفت: به خدا سوگند، در روی زمین کسی از نظر پدر، به شرافت تو نمی‌رسد. حضرت فرمود: تقوا به آنان شرافت بخشیده و طاعت خدا آنان را بالا برده است. مرد دیگری به آن حضرت گفت: به‌خدا، تو بهترین مردمی! حضرت

۱. إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.
 ۲. اَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ غَزِيْرٍ، وَ الْفُجُوْر دَارُ حِصْنٍ ذَلِيْلٍ، لَا يَمْنَعُ اَهْلَهُ وَ لَا يُخْرِزُ مَنْ لَجَأَ اِلَيْهِ. اِلَّا وَ بِالتَّقْوَى تُنْقَطِعُ حُمَةُ الْخَطَايَا.

فرمود: فلانی! قسم مخور، بهتر از من کسی است که در برابر خداوند، باتقوانتر و مطیع تر باشد. به خدا سوگند، این آیه نسخ نشده است: «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (مجلسی، بی تا، ج ۴۹: ۹۵).

علی (علیه السلام) در برخی از فرازهای نهج البلاغه تصریح می کند که تقوا مایه اصلی آزادی هاست؛ یعنی نه تنها خود قید و بند و مانع آزادی نیست، بلکه منبع و منشأ همه آزادی هاست. از این رو، علی (علیه السلام) بندگان خدا را به تقوای الهی توصیه می فرماید: «بندگان خدا، شما را سفارش می کنم به تقوا؛ همانا تقوا حق الهی است بر عهده شما و پدیدآورنده حقی است از شما بر خداوند. سفارش می کنم که با مدد از خدا به تقوا نایل گردید و با مدد تقوا به خدا برسید.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۸).^۱

مضمون عدالت نیز همانند مضمون تقوا از مضامین ارزشی و کلیدی کرامت انسانی است. در آموزه های فرهنگ دینی، عدالت رأس ایمان است (آمدی، بی تا: ۱۷۰۴).^۲ تحقق عدالت فردی و اجتماعی از مهم ترین برنامه های اسلام است. علی (علیه السلام) گام نخست اجرای عدالت را احیای عدالت فردی و خودسازی معرفی می کند و می فرماید: «قدم اول اجرای عدالت در جامعه، خودسازی و نهادینه سازی عدالت در وجود و درون خود انسان است.» (نهج البلاغه، خطبه ۸۶).^۳

امام رضا (علیه السلام) در برابر استدلال های نادرست برخی درباره امامت، وظیفه اصلی امام را عدالت و اجرای آن معرفی می کند. شماری از صوفیان خراسان نزد امام رضا (علیه السلام) آمدند و گفتند: مأمون، با تأمل در ولایتی که خداوند به او سپرده به این نتیجه رسیده که شما اهل بیت (علیهم السلام) اولای از سایر مردمان در این امر هستید که مردم را امامت کنید؛ و باز از میان مردمان، شخص شما را از میان اهل بیت (علیهم السلام) برای این امر مقدم و اولای بر دیگران دانسته است که حکومت را به شما بسپارد. مردم نیاز به کسی دارند که غذای سخت بخورد، لباس خشن و

۱. اوصیکم عباد الله بتقوی الله فانها حق الله علیکم و الموجبة علی الله حکم و ان تستعینوا علیها بالله و تستعینوا بها علی الله.

۲. العدل رأس الايمان و جماع الاحسان.

۳. قد أزم نفسُ العدل فكان أولَ عدله نفيُ الهوى عن نفسه.

خشک بپوشد، سوار الاغ شود و از مریض عیادت کند.

امام رضا (علیه‌السلام) در حالی که به متکایی تکیه داده بود، از حالت تکیه درآمد و نشست و فرمود: یوسف (علیه‌السلام) پیامبر خدا بود، اما قبای ابریشمین که طلا در زینت آن به کار رفته بود می‌پوشید و بر متکاهای آل فرعون تکیه می‌زد و حکومت می‌کرد. آنچه از امام انتظار می‌رود قسط و عدل است، و اینکه وقتی سخن می‌گوید راست بگوید و وقتی حکم می‌کند به عدالت رفتار کند و وقتی وعده می‌دهد، عمل کند. خداوند هیچ خوردنی و پوشیدنی را [جز آنچه صریح قرآن است] تحریم نکرده است. آنگاه این آیت را خواند که: بگو چه کسی زینت الهی و پاک‌ترین رزق‌ها را که خدا برای بندگانش قرار داده حرام کرده است؟ (اربلی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۴۷).

امام در حدیث دیگری همین معنا را بیان می‌کنند: «کسی که با مردم رفتاری دارد و بر ایشان حکومت دارد و ظلم نمی‌کند و با مردم تکلم می‌کند و دروغ نمی‌گوید؛ وعده به مردم می‌دهد و خلف وعده نمی‌کند، چنین شخصی مروّت او کامل و عدالتش ظاهر است و اخوت و خیرخواهی او واجب و غیبت کردن او حرام است.» (حرّعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۷: ۳۹۶)^۱، لذا امام سه ویژگی برای حاکمان اسلامی می‌شمارند: «صداقت»، «عدالت» و «وفای به عهد». در واقع، امام درس حکومتداری می‌دهند، لذا مردم از امام و حاکم خرقهٔ پشمینه و زهد تصنعی نمی‌خواهند، بلکه عمل می‌خواهند و نیاز مردم خرقه برتن کردن حاکم نیست، بلکه عدالت و وفای به عهد و صداقت است.

وفای به عهد از مضامین ارزشی کرامت انسانی است. امام رضا (علیه‌السلام) در پشت عهدنامه مأمون به ایشان به خط خویش چنین نوشتند: «با خدای خود عهد بسته‌ام که اگر رهبری مسلمانان را به دستم دهد، نسبت به همه مسلمانان به‌ویژه با بنی‌عباس، بر اساس اطاعت خدا و رسولش (صلی‌الله‌علیه‌وآله) رفتار کنم و هرگز خونی را نریزم و مال و ناموس مردم را حفظ کنم، مگر کسی را که حدود خداوند خون وی را بریزد و واجبات خداوند خون او را مباح شمارد و به اندازه کفایت و توانایی

۱. مَنْ عَامَلَ النَّاسَ فَلَمْ يَظْلِمُهُمْ وَ حَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ وَ وَعَدَهُمْ فَلَمْ يُخْلِفْهُمْ فَهُوَ مِمَّنْ كَمَلَتْ مَرْوَةٌ وَ ظَهَرَتْ عَدَالَتُهُ وَ وَجِبَتْ أَخُوَّتُهُ وَ حُرِّمَتْ غَيْبَتُهُ.

خود کوشش خواهیم کرد، و با نفس خود پیمان محکمی بستم که خداوند از من نسبت به آن سؤال خواهد کرد. خداوند - عزوجل - می فرماید: «به پیمان‌ها وفا کنید که خداوند از پیمان‌ها بازخواست می کند.» (اسراء/۳۴) (اربلی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۲۸-۱۲۹).

در کنار تقوا، عدالت، وفای به عهد، آزادی و رعایت حقوق انسان‌ها از لوازم دیگر کرامت انسانی در فرهنگ رضوی است. امام رضا (علیه السلام) به نقل از پدران خود از امام علی (علیه السلام) نقل می فرماید: «مسلمانان به پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفتند: ای رسول خدا! اگر کسانی را که در حوزه قدرت تو هستند، در پذیرش اسلام مجبور کنی، نفرات ما زیاد می شود و در برابر دشمنان نیرومند می شویم. پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفت: من هیچ گاه با انجام دادن کاری که بدعت است و درباره آن دستوری نرسیده است، به دیدار خدای بزرگ نخواهم رفت. من از زورگویان نیستم. خدای متعال (پس از این جریان) این آیه را بر محمد (صلی الله علیه و آله) فرو فرستاد: «ای محمد! اگر خدا می خواست همه مردم روی زمین به دین می گراییدند». از روی اجبار و ناگزیری، چنان که هنگام دیدن حقایق (پس از مرگ)، و دیدار قدرت حق در آخرت ایمان خواهند آورد. من اگر با مردم روشی اجباری در پیش گیرم، نه سزاوار پاداشند و نه شایسته ستایش؛ لیکن من می خواهم که با آزادی و اختیار به دین بگردند، و مجبور نباشند، تا شایسته قرب و اکرام من گردند، و در مینوی جاوید، جاودانه زندگی کنند.» (آیا تو مردمان را مجبور می سازی تا دین باور باشند؟) (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۳۵).

امام رضا (علیه السلام) در تکریم انسانیت و پاسخ به یکی از شاگردان خود که پرسید؟: از امام رضا (علیه السلام) پرسیدم که مردی از اهل ذمه (غیرمسلمانان مقیم در کشورهای اسلامی) که به فقر و گرسنگی دچار شده بود فرزندش را آورد و گفت: فرزندم مال تو، او را خوراک بده و او برده تو باشد. امام فرمود: [انسان] آزاده، خرید و

۱. انّ المسلمین قالوا لرسول الله (ص): لو اکرهت یا رسول الله من قدرت علیه من الناس علی الاسلام لکثر عدونا، و قوینا علی عدونا. فقال رسول الله (ص): ما کنتم لالقی الله - عزوجل - ببدعیة لم یحدث الی فیها شیئا، و ما انا من المتکلفین. فانزل الله - تعالی - علیه: یا محمدا (ولو شاء ربک لامن من فی الأرض کلهم جمیعا) علی سبیل الاجراء و الاضطراب فی الدنیا کما یؤمنون عدال المعاینة و رؤیة البأس فی الاخرة، ولو فعلت ذلك بهم لم یستحقوا منی ثوابا ولا مدحا، لکنی اریذ منهم ان یؤمنوا مختارین غیر مضطربین، لیبستحقوا منی الزلفی والکرامة و دوام الخلود فی جنه الخلد (افانست تکره الناس حتی یکنوا مؤمنین).

فروش نمی‌شود. این کار شایسته تو نیست، از ذمیان نیز روا نیست (عطاردی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۳۰۴).^۱

ریان بن شیبیب می‌گوید: از امام رضا (علیه‌السلام) پرسیدم: خواهرم وصیت کرده است برای گروهی از مسیحیان (که به آنان مالی بدهم)، و من می‌خواهم این (مال) را به گروهی از هم‌کیشان مسلمان بدهم. امام فرمود: وصیت را بدان‌سان که هست اجرا کن. خداوند بزرگ گفته است: «گناه آن بر کسانی است که آن (وصیت) را تغییر بدهند.» (بقره/۱۸۱) (عطاردی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۴۱۰).^۲

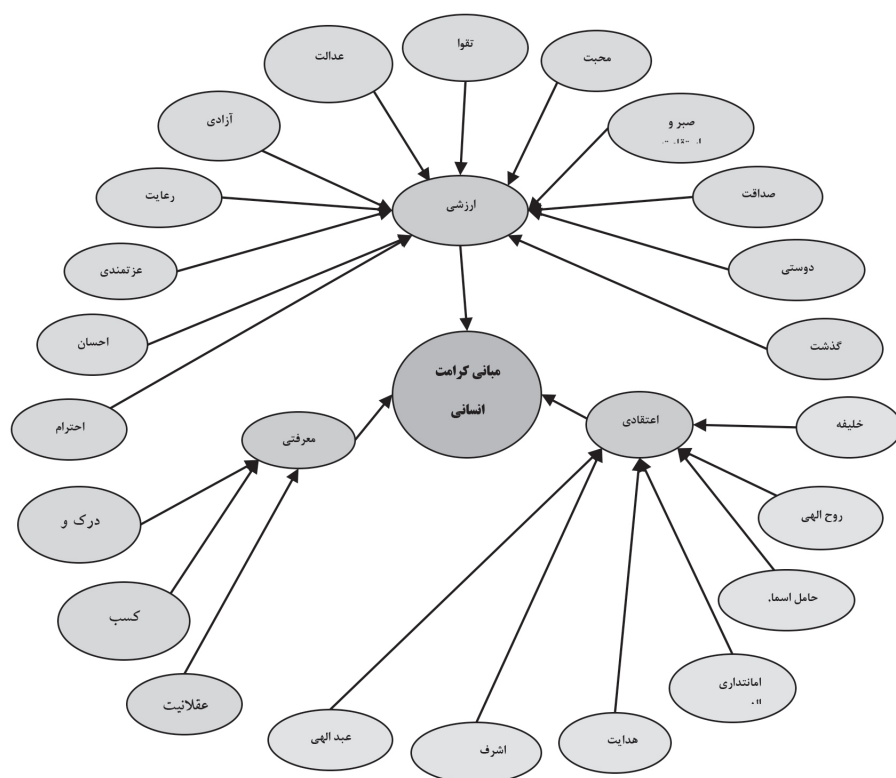
امام رضا (علیه‌السلام) با نگاه جامع به رعایت حقوق انسان‌ها، در حدیث دیگر تأکید می‌فرماید: «بدان... که حق برادران واجب و فریضه است... از خود و امواتان برای آنان سرمایه‌گذاری کنید... و در هر چیز که مساوات و برابری رواست، با آنان به برابری و مساوات رفتار کنید...» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۴: ۲۲۶-۲۲۷).^۳ بالاترین مسئولیت‌ها و ژرف‌ترین تعهدهای انسانی، پس از مسئولیت در برابر خداوند و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و پیشوایان، مسئولیت در برابر برادران انسانی و ایمانی است و تن‌دادن به حقوق برادران، از ریشه اصلی عقیده به خدا برمی‌خیزد. اصل برادری در اسلام، در متن قرآن مکرر آمده است.

۲-۶ شبکه مضامین مبانی کرامت انسانی

شبکه مضامین مبانی کرامت انسانی، روابط بین مضامین مبانی کرامت انسانی را نشان می‌دهد. شکل ۱-۱ نشان می‌دهد که چگونه مضامین کلان و یکپارچه‌کننده و کلیدی در یک شبکه درهم‌تنیده با هم ارتباط دارند. این شبکه، رویکرد نظام‌مند

۱. سَأَلْتُ الرِّضَا (ع) عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ أَصَابَهُمْ جُوعٌ، فَاتَى رَجُلًا بَوْلِدَ لَهُ، فَقَالَ: هَذَا لَكَ أَطْعَمُهُ وَهُوَ لَكَ عَبْدٌ. قَالَ (ع): لَا يُبْتَاعُ حُرٌّ، فَإِنَّهُ يَصْلَحُ لَكَ وَلَا مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ.
 ۲. رِيَّانُ بْنُ شَيْبِيبٍ فَسَأَلَ الرِّضَا (ع) فَقُلْتُ إِنَّ أُخْتِي أُوصِتْ بِوَصِيَّةِ لِقَوْمٍ نَصَارَى، وَارْتَدَتْ أَصْرَفَ ذَلِكَ إِلَى قَوْمٍ مِنْ أَصْحَابِنَا مُسْلِمِينَ. فَقَالَ (ع): لِمِضِّ الوَصِيَّةِ عَلَى مَا أُوصِتَ بِهِ. قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «فَأَنَّمَا أَنَّهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ».
 ۳. اَعْلَمُ... أَنَّ حَقَّ الاخْوَانِ وَاجِبٌ فَرَضٌ... وَابَدَلُوا النَفُوسَ وَالْأَمْوَالَ دُونَهُمْ... وَ مُؤَاسَاتِهِمْ وَ مُسَاوَاتِهِمْ فِي كُلِّ مَا يَجُوزُ فِيهِ الْمُسَاوَاةُ وَالْمُؤَاسَاةُ...

و جامع آموزه‌های دینی با تأکید بر فرهنگ رضوی به مبانی کرامت انسانی را نشان می‌دهد. در این شبکه، مبانی کرامت انسانی به‌عنوان مضمون کلان، همهٔ مضامین را در خود جای داده و در کانون شبکه قرار گرفته و مضامین یکپارچه‌کننده، مبانی اعتقادی، مبانی معرفتی، مبانی ارزشی و مضامین کلیدی را بر محور خود جمع کرده و یک شبکه تارنمای از روابط مضامین مبانی کرامت انسانی را به نمایش گذاشته است. این شبکه هم جایگاه مضامین را در تحلیل و هم روابط بین مضامین مختلف را نشان می‌دهد.



شکل ۱-۱. شبکهٔ مضامین مبانی کرامت انسانی از منظر آموزه‌های دینی با تأکید بر فرهنگ رضوی

۷. بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های این پژوهش، مضمون کلان مبانی کرامت انسانی بر اساس مبانی نظری و پیشینه تحقیق، به ۳ مضمون یکپارچه‌کننده «مبانی اعتقادی»، «مبانی معرفتی» و «مبانی ارزشی» تحلیل یافته است. مضمون یکپارچه‌کننده مبانی اعتقادی خود به ۷ مضمون کلیدی: «خلیفة‌اللہی، حامل اسماء الہی، روح الہی، امانت‌داری الہی، هدایت الہی، اشرف مخلوقات و عبد الہی» تحلیل یافته است. مضمون یکپارچه‌کننده مبانی معرفتی به ۳ مضمون کلیدی «عقلانیت»، «کسب دانش» و «درک و فهم» تحلیل یافته و در نهایت مضمون یکپارچه‌کننده مبانی ارزشی، به ۱۲ مضمون کلیدی - شامل: تقوا، عدالت، آزادی، رعایت حقوق، عزتمندی، صبر و اسقامت، احسان، احترام، محبت، گذشت و ایثار، صداقت و دوستی - تجزیه شده است.

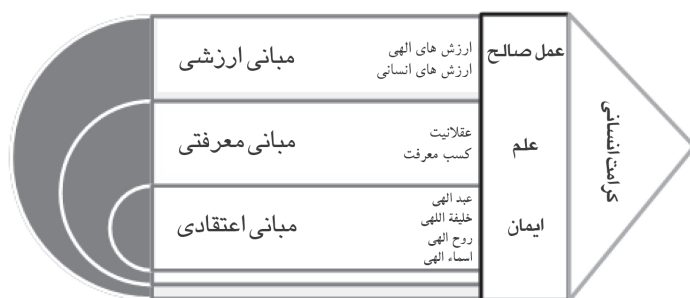
خاستگاه و منشأ اصلی کرامت انسانی بر اساس یافته‌های این پژوهش، مبانی اعتقادی، مبانی معرفتی و مبانی ارزشی است. هسته اصلی این مبانی را مبانی اعتقادی تشکیل داده است. مبانی اعتقادی به معنای باور ژرف به توحید و ایمان به خداوند متعال و برابری ذاتی انسان‌هاست. از منظر آموزه‌های فرهنگ رضوی، انسان کرامت و شرافت خود را از خداوند متعال دریافت کرده است؛ یعنی انسان خلیفة‌اللہی، حامل اسماء الہی، روح الہی، امانت‌داری الہی، هدایت الہی، اشرف مخلوقات و عبد الہی و در نهایت آفریده خداوند است. بنابراین، همه به‌صورت یکسان نیازمند آفریدگار خود می‌باشند و میزان این برتری و شرافت را عبودیت انسان تعیین می‌کند.

مبانی معرفتی و مبانی ارزشی، بستر فعلیت یافتن کرامت ذاتی انسان را فراهم می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد مبانی معرفتی ریشه‌های شناخت و درک حقایق هستی را برای انسان فراهم می‌کند. انسان با شناخت آفاقی و انفسی، به عظمت خالق هستی پی می‌برد و این شناخت توأم با تفکر و عقلانیت، راه‌های کسب کرامت و عزت انسان را فراهم می‌کند. مبانی ارزشی نشان می‌دهد که الگوی عملی برای کسب کرامت انسانی، پایبندی به ارزش‌های الہی و اسلامی و تبعیت از اهل بیت (علیهم‌السلام)

است. از این رو، علی (علیه السلام) در خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه تمسک جستن به فرهنگ رضوی و به طور کلی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را راه نجات و رستگاری و کرامت امت اسلامی معرفی و می فرماید: «شجرة النبوة و محط الرسالة و مختلف الملائكة و معادن العلم و ینایع الحکم».

بی تردید، مبانی کرامت انسانی از منظر آموزه های دینی، منحصر در مبانی و گزاره های ذکر شده نیست. مبانی دیگری نیز همچون هستی شناسی، انسان شناسی و... در تبیین مبانی کرامت انسانی، جای بحث و تحقیق دارد که از حوصله این مقاله خارج است و به پژوهش مستقلی نیاز دارد. این پژوهش از زاویه دینی و ارزشی و بر اساس سه اصل و بنیان محکم قرآنی ایمان، علم و عمل صالح، الگویی جدید از کرامت انسانی ارائه داده است.

بنابراین، بر اساس منظومه مضامین مبانی کرامت انسانی از منظر آموزه های دینی با تأکید بر فرهنگ رضوی، می توان مدل مفهومی که همانند شبکه مضامین، هم ارتباط مضامین و هم ارتباط مفاهیم را ترسیم کند و هم جایگاه هر یک از مبانی را در شکل گیری کرامت انسانی نشان دهد، ارائه نمود. بر اساس این مدل مفهومی، مبانی اعتقادی کرامت انسانی خمیرمایه تبیین و تحلیل مبانی کرامت انسانی را تشکیل می دهد. درخت تنومند کرامت انسانی بر ریشه های مستحکم اعتقاد و ایمان به خداوند و علم و معرفت و عمل صالح استوار گشته و میوه این درخت عزت و شرافت انسان است. این مدل و نقشه مفهومی، مسیر سعادت و کرامت انسان را ترسیم می کند.



شکل ۱-۲. مدل مفهومی مبانی کرامت انسانی از منظر آموزه های دینی با تأکید بر فرهنگ رضوی

منابع و مآخذ

- قرآن کریم. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.
- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی.
- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۱). فرهنگ معاصر عربی - فارسی. تهران: نشر نی.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۲). کشف الغمّة فی معرفة الأئمة. مترجم: علی بن حسین زواره‌ای. تهران: انتشارات اسلامیة.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۳). عیون الاخبار الرضا(ع). قم: انتشارات مشهدی.
- _____ (۱۳۷۲). عیون الاخبار، مترجم: غفاری و مستفید. تهران: انتشارات صدوق.
- _____ (۱۳۷۸ ق). عیون أخبار الرضا(ع)، تهران: انتشارات جهان.
- _____ (۱۳۳۷). عیون اخبار الرضا(ع). مترجم: محمد تقی اصفهانی. تهران: انتشارات شمس.
- _____ (۱۴۰۴ ق). عیون اخبار الرضا(ع). بیروت: انتشارات مؤسسه الاعلمی.
- ابن اثیر، علی بن محمد. (بی تا). الکامل (تاریخ بزرگ اسلام و ایران). مترجم: مهیار خلیلی. تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران.
- ابن شعبه، حسن بن علی. (۱۳۸۲). تحف القول عن آل الرسول. مترجم: صادق حسن زاده. قم: انتشارات آل علی(ع).
- _____ (۱۳۸۴ ق). تحف العقول. مترجم: محمد باقر کمره‌ای. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۸). آداب الصلوة. شرح سیداحمد فهری. تهران: مؤسسه نشر آثار و اندیشه‌های امام خمینی(ره).
- _____ (۱۳۸۸). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه نشر آثار و اندیشه‌های امام خمینی(ره).
- تمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. شرح جمال‌الدین خوانساری. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ رحیمی نژاد، اسماعیل. (۱۳۸۶). «کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مدرس علوم انسانی. دوره ۱۱. شماره ۴(۵۴). صص: ۵۱-۸۲.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ ق). وسایل الشیعه. محقق: محمدرضا حسینی جلالی. قم: انتشارات مؤسسه آل البیت.
- حویزی، علی بن جمعه. (۱۳۸۳). نورالتقلین، قم، چاپ هاشم رسولی محلاتی.
- جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۰). حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب. تهران: دفتر خدمات حقوقی بین الملل جمهوری اسلامی ایران.
- درایتی، مصطفی. (۱۴۱۳ ق). معجم الفاظ غررالحکم و دررالکلم. مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۵). لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۹۹۲ م). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالعلم.

- رهبر پور، محمدرضا. (۱۳۹۵). «بازخوانی رهیافت‌های کرامت انسانی در قلمرو اخلاق زیستی». *اخلاق زیستی*. دوره ششم. شماره بیست و دوم. ۲۰-۳۱.
- سبحانی‌نیا، محمد. (۱۳۹۴). «کرامت اقتضایی انسان در بوته نقد». *پژوهشنامه معارف قرآنی*. دوره ۶. ش ۲۲. پاییز ۱۳۹۴. ۱۰۷-۱۳۶.
- شایان‌مهر، علیرضا. (۱۳۷۹). *داتره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات مؤسسه کیهان.
- شریعتمداری، سید محمدرضا. (۱۳۸۶). «ملاک و معیار کرامت انسانی از دیدگاه امام (ره)». *مجموعه مقالات همایش امام خمینی و قلمرو دین (کرامت انسان)*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صالحی، صغری؛ سروری مجد، علی. (۱۳۹۴). «نقش مؤلفه‌های کرامت در کمال انسان از منظر امام رضا (ع)». *فصلنامه فرهنگ رضوی*. سال چهارم. شماره سیزدهم. ۹۴-۱۲۰.
- طباطبائی، سیدمحمد حسین. (۱۳۷۲). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ پنجم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین؛ روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». *دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی*. سال پنجم. ش ۱۰. پاییز و زمستان ۱۳۹۰. ۱۵۱-۱۹۸.
- عطاردی قوجانی، عزیزالله. (۱۳۹۱). *مسند الامام الرضا (ع)*. تهران: انتشارات عطارد.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۷۵). *اصول کافی*. مترجم: سیدجواد مصطفوی. تهران: اسلامیه.
- _____ (۱۳۶۵). *اصول الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کمالی گوگی، محمد؛ زمانی راد، حجت و شکوری، ابوالفضل. (۱۳۹۵). «ملاک کرامت‌مندی انسان در اندیشه سیاسی کانت و علامه جعفری در قالب سه نظریه انسان‌گرایانه، افزوده و انسانیت بالقوه». *مجله علوم سیاسی*. دوره ۱۹. شماره ۷۴. صص: ۹۱-۱۱۸.
- طبری، ابوجعفر محمدبن جریر. (۱۳۸۷/۱۹۶۷ ه. ق). *تاریخ الطبری*. تحقیق: محمدابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالتراث.
- مجلسی، محمدباقر. (بی تا). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*. تهران: انتشارات اسلامیه.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معین، محمد. (۱۳۶۸). *فرهنگ فارسی*. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سپهر.
- معروف الحسنی، هاشم. (۱۳۸۲). *زندگانی دوازده امام (ع)*. مترجم: محمد مقدس. تهران: امیرکبیر.
- متقی، علی بن حسام الدین. (۱۴۰۹ ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*. ضبطه و فسره غریبه بکری حیانی. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مفید، محمدبن محمد. (۱۴۱۳ ق). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. تحقیق: مؤسسه آل‌البتیت لإحياء التراث. قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید.
- میراحمدی، منصور؛ کمالی گوگی، محمد. (۱۳۹۳). «تحلیل مفهوم کرامت انسانی در اندیشه سیاسی شیعه: مطالعه موردی اندیشه امام خمینی (ره)». *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. سال سوم. ش ۱۰. ۲۷-۵۰.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۷۵). *مثنوی معنوی*. به اهتمام: محمد استعلامی. چاپ سوم. تهران: انتشارات زوار.

- یدالله پور، بهروز. (۱۳۹۱). کرامت انسان در قرآن کریم (ماهیت، مبانی و موانع). قم: انتشارات نشر ادیان.

- Attride-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, Pp. 405-385.
- Boyatzis, R. E. (1998), Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Pp. 101-77.